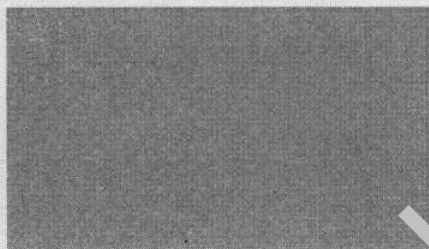


۱۲۸۹۴۴۹

پنجره شعر جهان



مونو کورد

یانیس ریتسوس

ترجمه‌ی محمدرضا ضیغمی

پنجره شعر جهان

سرشناسه : ریتسوس، یانیس، ۱۹۹۰-۱۹۰۹ م. Ritsos, Giannes
عنوان و نام پدیدآور : مونوگورد/ یانیس ریتسوس؛ ترجمه‌ی محمدرضا ضیغمی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات مایا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۰-۴۲-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : شعر یونانی جدید -- قرن ۲۰م -- ترجمه شده به فارسی

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از یونانی

مناسه افزوده : ضیغمی، محمدرضا، ۱۳۷۲ - مترجم

رده بندی. ک. گره: ۱۳۹۴ م۲/ PA۵۶۲۱

رده بندی دیویی: ۸۸۹/۱۳۰

شمار کتابشناسی ملی: ۴۱۰۰۲۴۶

ما:یا

انتشارات مایا

مونوگورد

یانیس ریتسوس

نشر: مایا

چاپ اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۰-۴۲-۳

لیت گراف: چاپ، صحافی: ترنج

محل چاپ: گروه هنری مایا

طرح جلد: مان جبرائیلی

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

E: nashrmaia@gmail.com

خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۸۸

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

تلفن همراه: ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

پیش گفتار

گسترده می‌گیریزاند. دیوان بیدل را، اگر کم‌برگ‌تر بود، چه بسا بیشتر و بیشتر می‌خواندند. راستی که پرکاری مانع شناخت هنرمند است، هم‌زمان که کم‌کاری، یانیس ریتسوس، شاعر معاصر یونان نیز با حدود یک صد بلند که به متنوع - که بیشترشان دفتر شعر اند - ما را از داورِ آثارش باز داشته، راه کلی‌گویی‌مان را بر بسته است. شاید پیش از هر چیز این را یک، کم نیست اصل یا شاعر مقاومت ملت یونان بخوانند، چرا که بسیاری از سروده‌هایش، سرود ملی مردمانش شده است؛ اما حقیقتاً شعر او شری‌ست انسانی و جهانی. شعر مردی صبور و عاشق که تبعید و حس کشید و با رهاوردی بزرگ بازگشت: آزادی، مفهوم پنهان آزادی، نه شعار. دنیای ریتسوس، غربتی‌ست خاموش و پنهان برای شهر مردمی خسته و امیدوار. جزیره‌ی مجسمه‌هایی زنده و هم‌میان از سنگ؛ گستره‌ای عریان - که دور و نزدیک است. شعر او میان مردگان و زندگان می‌گذرد، میان انسان‌ها و پرنده‌ها؛ در زبان او هر چه هست شخصیت دارد، حتی یک روزنامه‌باطله، حتی یک سیگار نسوخته؛ او هیچ واژه‌ای را از سرِ تفتن و تزیین نمی‌نگارد؛ هر واژه‌اش زندگی ضروری خود را دارد. کلامش احساساتی و پرسروصدا نیست؛ خاموش است و خاموشی‌اش گرانبار فریادهاست. دیدنی،

نه شنیدنی. از جمله‌های دور و دیرپاب عموماً عاری‌ست، اما با سوررئالیسم تجسمی‌اش خواننده را به ناخودآگاه می‌خواند و پیامی قطعی بر او تحمیل نمی‌کند.

چنان که بر کسی پوشیده نخواهد بود، بسیاری از اشعار ریتسوس تنها توالی تصاویر پراکنده‌ای‌ست بی ارتباط منطقی، که با نخب نامرئی «نگاه» به هم می‌پیوندند. هنر شاعر - باری - در همین پیوندهاست، پیوندهایی که پدیده‌های روزانه را نزدیک می‌کند.

«آزادی» بزرگترین آرزوی شاعر بود و «دیار» غم‌انگیزترین حلقه‌ای، او آشکارا کمونیسم را در مفهوم اصیل و بی‌ریای آن می‌پسندید، کمونیسمی که در جهان هرگز نمود فراگیری نیافت و در نهایت آرمان خیرخواهانه باقی ماند؛ آرمان روشنفکرانی که می‌خواستند رنج بشر را یک‌تنه برگردانند. آری، ریتسوس نماد اجتماعیت است. اجماعیتی که در تنهایی نمو می‌یابد. او در مرز یونان و جهان، در مرز امید و نومیدی، ایستاد و توانست فریاد و سکوت را یگانه کند.

شاید او را نتوان شناخت. شاید هیچ کسی را نتوان شناخت؛ اما انسان دلباخته، بی‌آنکه در آرزوی شناختن باشد، در پی همراهی‌ست. کار کوچک من، ریتسوس، جز یک دیدار کوتاه با شاعر ندارد - اگر بتواند.

این برگ‌ها که در دست دارید، گزیده‌ای‌ست از بهترین شعرهای ریتسوس. اشعاری از مجموعه‌های مونو کوردها (۱۹۸۰) و سایه‌ی پرندگان (۱۹۸۰)؛ و نیز قطعات دیگری که ریتسوس در دو دهه‌ی پایانی زندگی خود سروده بود. واژه‌ی «مونو کورد» نام ابزار سنجشی در موسیقی‌ست که تنها یک سیم دارد؛ و مونو کوردهای

ریتسوس کوتاه‌ترین اشعار او را در بر می‌گیرد، که تنها یک سطر اند.
منابع کار من، چند ترجمه‌ی انگلیسی بود به مشخصات

زیر:

Ritsos, Yannis: *Monochords*, translated by Paul Merchant, Five Seasons Press, 2007.

Ritsos, Yannis: *Shadows of Birds*, translated by Scott K. Kinsley, Thistlewords Press, Minnesota, 2009.

Ritsos, Yannis: *111 x 3 Tristichs*, translated by Richard Newton, Pella Publishing Company, New York, 1990.

www.yannisritsos.blogspot.com, translated by Scott Kinsley.

www.poetrymagazines.org.uk, translated by David Harsent.

در ترجمه‌ی اشعار، در حد توان کوشیدم به منابع وفادار باشم؛ در عین حال نمی‌خواهم به تریب شعر در فارسی از بین رود، پس دستم را در «اجرای زبان» قدری رها گذاشتم. سطر بندی و چیدمان اشعار بر اساس آهنگ و شکل فارسی شده‌ی آن‌ها بوده است؛ مثلاً فاصله‌های مختلف اندازه‌ای که میان کلمات یک سطرهای می‌بینید، در اصل نبوده، که خودم برای حفظ ریتم شعرها هنگام خواندن به کار برده‌ام. اما جز این مورد، اختلال اساسی با روش منابع نداشته‌ام.

اعتراف کنم، گزیده‌ی من رویکردهای سیاسی و ملی اجتماعی ریتسوس را چندان به وضوح نمی‌نمایاند، اما نگاه مجزود او به جهان را تا حدودی پیش چشم می‌کشد و شاید مکمل ترجمه‌های پیشین باشد. پس به خواننده‌ی علاقه‌مند پیشنهاد می‌کنم آن ترجمه‌ها را نیز - اگر نخوانده است - بخواند تا ریتسوس

را دقیق تر بشناسد. درباره‌ی زندگی شاعر هم می‌توان به مقدمه‌های همان منابع مراجعه کرد. بدین نیت بود که فهرست ترجمه‌هایی را که می‌شناختم در پایان کتاب آوردم.

نیز یاد آورم که وقتی کتاب را - با سه سال تأخیر! - برای چاپ حاضر می‌کردم، دانستم که به تازگی گزیده‌ی مفصلی از اشعار ریتسوس با ترجمه‌ی جناب آقای بابک زمانی چاپ شده که بیست قطعه از شعرهای کتابک من را نیز در خود دارد. به ایشان خسته نباشید می‌گویم و به نوبه‌ی خود از زحمتی که برای آشنایی بیشتر با ریتسوس کشیده‌اند سپاس گزارم.

کلام را با یادِ نیما پایان می‌دهم که گفت:
این زیارِ دل افسان است
نه زبانِ پی‌نم چیزان ..

محمد رضا ضیفی

ترجمه‌ی شعرها: ۱۳۹۱ / آماده‌سازی: ۱۳۹۴